

## بانکداری اسلامی شیوه نظری

### مقدمه

مجموعه فعالیتها و عملیاتی که توسط بانکها صورت می گیرد بانکداری نامیده می شود. تجهیز و مصرف منابع پس انداز جامعه، وصول برات سفته، صدور ضمانتنامه، گشایش اعتبارات اسنادی و... از جمله عملیاتی است که بانکها انجام می دهند. دو عمل تجهیز منابع پس انداز جامعه و مصرف آن از جمله اصلی ترین عملیات بانکی است که بانک را بصورت یک واحد از واحدهای دیگر اقتصادی متمایز می کند. بعبارت دیگر عملیات تجهیز منابع پس انداز جامعه و مصرف آن هسته اصلی بانکداری را تشکیل می دهد. در هر سیستم اقتصادی، بانکداری روی همین هسته پایه گذاری شده است. بانکداری اسلامی نیز از این

✉ - مدیر سابق نظارت و امور بانکهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و عضو هیات علمی مرکز آموزش بانکداری ایران.

قاعده مستثنی نیست. بانک اسلامی نیز، نظیر بانکهای دیگر با استفاده از منابع پس انداز گروهی از افراد جامعه نیاز مالی گروه دیگر را تامین می کند. بدین ترتیب، از نقطه نظر اتکاء بر منابع پس انداز جامعه تفاوتی بین بانکداری سنتی و یا متداول در کشورهای دیگر و بانکداری اسلامی وجود ندارد. لکن، آنچه که بانکداری اسلامی را از بانکداری سنتی متمایز می کند ماهیت بانکداری اسلامی است که تفاوت شکلی و ماهوی با شیوه رفتاری در بانکداری سنتی دارد. اصولاً شیوه های رفتاری در روابط حقوقی که بین بانک و مشتری ایجاد می شود تجلی می کند.

بعبارت دیگر، کلیه عملیات بانکی در چارچوب روابط حقوقی که بین بانک و مشتری بوجود می آید، شکل می گیرد. روابط ممکن است در شکل مکتوب نظیر عمل قبول سپرده، اعطای تسهیلات اعتباری، گشایش اعتبارات اسنادی و یا غیر مکتوب نظیر عملیات حواله وجه وصول چک، وصول وجوه آب و برق و تلفن و امثال آن باشد. هر یک از این روابط اعم از مکتوب یا غیر مکتوب باید در چارچوب ضوابط و مقررات حقوقی حاکم بر کشوری که بانک در آن قرار دارد برقرار شود. نظر به اینکه مقررات حاکم در یک کشور متفاوت از کشور دیگر است، لذا شیوه بانکداری در آن کشور نیز تا این حد از شیوه بانکداری در کشور دیگر متفاوت خواهد بود.

در کشورهای اسلامی، منجمله ایران، علی القاعده روابط حقوقی حاکم بین بانک و مشتری باید براساس موازین اسلامی پایه گذاری شود، یا لاقلاً، این روابط حقوقی باید بنحوی تنظیم و اعمال گردد تا با موازین اسلامی مغایر نباشد. در نتیجه، تاحدی که این موازین با اصول حاکم بر روابط حقوقی حاکم بر بانکداری در کشورهای دیگر متفاوت باشد، بانکداری در

کشور اسلامی نیز باید با آن شیوه بانکداری متفاوت باشد. در واقع در کشورهای اسلامی اصول و تعالیم حاکم بر رفتارهای اسلامی قاعدتاً بر رفتار و عملیات بانکی نیز حاکم خواهد بود. نتیجه منطقی ناشی از استدلال فوق، حاکی از این است که آن دسته از عملیات بانکی که تابع اصول و ضوابط مشابهی باشند چه در محیط اسلامی و چه در غیر اسلامی، نباید از یکدیگر متفاوت باشند. نتیجه دیگری که از این بحث قابل استنتاج می باشد این است که آن دسته از رفتارها یا روابط حقوقی بین بانک و مشتری که با موازین اسلامی معارض نباشد در محیط اسلامی پذیرفته است. بالاخره، آن دسته از رفتارهای اسلامی که معارض با اصول حاکم در محیط غیراسلامی باشد، در آن محیط پذیرفته نمی شود. بطور خلاصه، تفاوتها، در اصول و موازین غیر مشترک ظاهر می گردد. بانکداری اسلامی نیز بهمین دلایل با بانکداری متداول در کشورهای دیگر متفاوت است.

بحث بیشتر در این زمینه ایجاب می کند که در مورد عبارت "بانکداری اسلامی" به معنی اخص کلمه تعنی بیشتری بشود. اصولاً بانکداری به معنی مترادف آن پدیده ای نوین است که در غرب رایج شده و عمر آن از حدود چهار قرن تجاوز نمی کند. ضمناً بنظر نمی رسد در ادوار گذشته از صدر اسلام تا حدود سه دهه قبل، فعالیتی منسجم بنام "بانکداری اسلامی" در محیط های اسلامی بوجود آمده باشد تا شیوه خاصی را برای اینگونه بانکداری تجویز کند.

البته، شیوه های رفتاری مشخصی بصورت ابزار تامین مالی (FINANCING) برای تامین منابع مورد نیاز اهل حرفه و فن در چارچوب موازین اسلامی وجود دارد که از صدر اسلام تاکنون در جامعه اسلامی متداول بوده و بصورت پراکنده انجام می شده است (۱) طبعاً این شیوه ها تعداد کمی از عملیات متعددی است که می تواند بصورت منسجم توسط بانک اسلامی

انجام شود. بعلاوه طی سه دهه گذشته اقدامات پراکنده ای توسط کشورهای مختلف اسلامی صورت گرفته تا عملیات بانکی خود را براساس اصول اسلامی بنا نهند. تنها در کشور ایران (۲) از حدود ۱۰ سال قبل بانکداری بنحوی طراحی و تدوین شده است که انجام آن با موازین شرع مقدس اسلام مغایرت نداشته باشد. از همین رو، صفت "اسلامی" که صفت مناسبی هم می باشد به این شیوه از بانکداری داده شده است.

در واقع هنگامی که "شیوه های رفتاری اسلامی" (۳) منشاء روابط حقوقی بین بانک و مشتری قرار می گیرد نوعی بانکداری فنی و منظم یا بانکداری خاص را ارائه می دهد که به آن بانکداری اسلامی گفته می شود. شاید اگر صفت دیگری یافت شود که هم ویژگی اسلامی و هم ویژگی فنی و منظم را بنحوی از انحاء به این نوع از بانکداری بدهد، می تواند نام دیگر باشد تا بیان اصطلاح "بانکداری اسلامی". به هر صورت اطلاق "بانکداری اسلامی" به این شیوه از رفتارهای بانکی نیز چندان از واقعیت بدور نیست. با ذکر این مقدمه تشریح بانکداری اسلامی بهتر امکان پذیر خواهد بود.

### عملیات بانکی

همانطوریکه ذکر شد، به مجموعه فعالیتها و عملیاتی که توسط بانکها صورت می گیرد، بانکداری گفته می شود. اغلب این عملیات در بانکداری سنتی "رهبری" است. "پریا" از دیدگاه اسلام در حدی مذموم و ناپسند می باشد که در قرآن کریم اخذ آن از جمله گناهان کبیره شمرده شده است (۴). برای ادامه بحث در این زمینه ضرورت دارد بدواً "رہای پولی" (۵) تعریف شده و سپس به تشریح چگونگی انجام عملیات بانکی براساس بانکداری اسلامی مبادرت شود.

"ربا" عبارت است از:

"گرفتن مبلغ اضافه روی دین محقق مشروط بر اینکه از قبل شرط شده باشد."

این تعریف بطور کامل و مفصل در مطلب پیوست تشریح شده است. از اینرو و بمنظور جلوگیری از اطاله کلام تحلیلی از این بابت در این قسمت صورت نمی گیرد.

بطوریکه ملاحظه می شود، تحقق ربا وقتی متصور است که منحصرآ روش تجهیز منابع و روش مصرف منابع توسط بانک بر مبنای رابطه حقوقی قرض پایه گذاری شده باشد. در نتیجه، اولاً چنانچه این روشها بنحوی طراحی و تدوین و بالاخره اعمال شود که عملیات تجهیز یا مصرف منابع ناشی از قرض نباشد، طبعاً این عملیات ربوی نبوده و بالمآل با موازین اسلامی تعارض نخواهد داشت. ثانیاً چنانچه روش مربوط به تجهیز یا مصرف منابع در چارچوب عقد قرض انجام شود، باید منحصرآ بصورت "حسنه" (۶) باشد. بانکداری اسلامی عمدتاً از جمع همین ویژگیها بوجود می آید.

چنانچه عملیات بانکی به دو دسته "عملیات اصلی" و "سایر عملیات" تقسیم بندی شود، تشریح بانکداری اسلامی با سهولت بیشتری امکان پذیر خواهد بود. همانطوریکه قبلاً نیز توضیح داده شد، "عملیات اصلی" بطور مستقیم یا غیرمستقیم به جریان منابع مالی بین بانک و مشتری منجر شده و این منابع برای مدتی توسط بانک یا مشتری مورد استفاده قرار می گیرد. عملیات دیگری که به جریان منابع مالی از بانک به مشتری یا برعکس منجر نشود و یا اگر به جریان منابع مالی منجر می شود صرفاً بصورت نقل و انتقال بوده و توسط بانک یا مشتری مورد استفاده قرار نگیرد، "سایر عملیات" بانکی را تشکیل می دهد. بدین ترتیب، مهمترین ویژگی بارز و برجسته بانکداری اسلامی در این است که "عملیات اصلی" بانکی بنحوی تدوین و

پایه گذاری شود که " ربوی " نباشد. بدیهی است، " سایر عملیات " نیز ذاتاً نمی تواند ربوی باشد. با این توصیف، اولین تعریف بانکداری اسلامی از این شیوه رفتاری بشرح زیر قابل استنتاج است:

" بانکداری اسلامی به آن شیوه از بانکداری اطلاق می شود که بوسیله آن جریان منابع پولی یا مالی بین پس انداز کننده، بانک و سرمایه گذار، در چارچوب موازین اسلامی، بنحوی برقرار گردد که بین آنها رابطه حقوقی استقراض ایجاد نشود، مگر در شکل " حسنه ".

جریان منابع پولی و مالی بین بانک و مشتری می تواند بطرق مختلف برقرار شود. در هر صورت منابع پس انداز جامعه باید به نحو مناسب و مطلوب توسط بانکها تجهیز و در فعالیتهای مختلف اقتصادی مصرف گردد. از اینرو، چنانچه تصور شود که تمامی این منابع پس انداز بتواند بصورت " حسنه " جذب و بکار گرفته شود ممکن نخواهد بود. زیرا، با این شیوه رفتاری قرض دهنده با پس انداز کننده ناچار است از منافع حاصل از فعالیت های اقتصادی که در اثر منابع پس انداز وی حاصل می شود صرف نظر کرده و تمام منافع عاید قرض گیرنده شود. طبعاً، چنین شیوه بانکداری نمی تواند بصورت جامع و فراگیر در تمام شئون اقتصادی جامعه اسلامی موفق باشد.

پس تعریف فوق (۷) کامل نبوده و نمی تواند جامعیت داشته باشد. برای دستیابی به تعریف جامع از بانکداری اسلامی، شیوه های رفتاری بانک اسلامی در زمینه استقراض، معاملات و همچنین تجهیز و مصرف منابع ذیلا تشریح می گردد:

#### شیوه رفتاری در استقراض

از صدر اسلام تاکنون قرض همواره بعنوان یکی از ابزارهای تامین مالی جهت تامین

منابع مورد نیاز قرض گیرنده مورد استفاده بوده و در عین حال پرداخت قرض بصورت "حسنه" عمیقا مورد تشویق قرار گرفته و "ریا" مذمت شده است. براساس موازین اسلامی، منابع استقراضی، ملک قرض گیرنده می شود. در واقع انتقال مالکیت در قرض می تواند یکی از ریشه های اصلی و شاید تنها منشاء "تحریم" ریا باشد. زیرا براساس موازین اسلامی:

"قرض-عقدیست که بموجب آن یکی از طرفین عقد (قرض دهنده) مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر عقد (قرض گیرنده) تحلیک می کند که قرض گیرنده، در انقضای مدت قرض، مثل و یا در صورت عدم امکان قیمت آنرا به قرض دهنده رد نماید."

مجموعه اتفاقات مذکور در تعریف، پس از انعقاد عقد قرض، بترتیب معین شده در تعریف رخ می دهد. منجمله با انجام عقد قرض، مالکیت مال از ید قرض دهنده خارج و به قرض گیرنده منتقل می شود. به تبع این انتقال، مالکیت منافع مال نیز به مالک جدید منتقل می گردد. در نتیجه، یکی از دلایل اصلی حرمت "ریا" ممکن است از همین مطلب نیز ناشی شود. تشریح موضوع از این دیدگاه که در نوشته های مختلف کمتر به آن توجه شده است، به ذرک بیشتر آن کتک می کند.

برای روشن تر شدن موضوع این سوال مطرح می شود که آیا شخص حق دارد از سرمایه یا منابع مالی یا بطور کلی اموال شخص دیگری که از لحاظ مالکیت هیچ ارتباطی با او ندارد، چیزی تحت عنوان سود، بهره، کارمزد "ریا" یا تحت هر عنوان دیگری مطالبه و دریافت کند؟ طبیعا هم سوال تعجب آور و هم پاسخ منفی است. زیرا، این عمل بمنزله اخذ من غیر حق بخشی از اموال یا سرمایه یا منابع مالی دیگری است که نه تنها منطبق ندارد بلکه معنی هم نمیی دهد. به عبارت دیگر، اگر شخص قرض دهنده مجاز باشد از سرمایه یا دارائی یا منابع

اشخاص بیگانه ای که هیچ ارتباط حقوقی با آنها ندارد مبلغی مطالبه کند، مجاز خواهد بود روی سرمایه یا دارایی شخص قرض گیرنده که در اثر عمل استقراض بین او و شخص قرض گیرنده رابطه دائن و مدیون بوجود آمده مبلغی اضافه بر منابع استقراضی خود که پس از قرض مالکیت آن به قرض گیرنده منتقل شده مطالبه نماید.

این مطلب بدلیل دیگر نیز قابل اثبات است. نظر به اینکه در استقراض عملاً مالکیت منابع مالی استقراضی و به تبع ریسک منابع مزبور و مآلاً ریسک عملیاتی که با آن منابع صورت می گیرد از قرض دهنده منتزع و به قرض گیرنده منتقل می شود. لذا، چنانچه در اثر بکارگیری منابع استقراضی، سودی حاصل شود، طبعاً متعلق به قرض گیرنده است که در واقع هم ریسک عملیات را متحمل می شود و هم ضامن استرداد اصل مبلغ استقراض است. بهمین جهت، براساس موازین شرع مقدس اسلام قرض گیرنده هم صاحب سود و زیان ناشی از منابع استقراضی و هم ضامن رد دین است. در عین حال، این دین با گذشت زمان نیز مگر در موارد بسیار استثنائی، ساقط نمی شود. در نتیجه، هر اتفاقی برای منابع استقراضی پیش آید مبلغ قرض الزاماً باید در انقضاء مدت به قرض دهنده مسترد گردد. بدلیل مشابه، در امور تجارت یا تولید ریسک عملیات تجاری و یا تولیدی برعهده صاحب سرمایه است اعم از اینکه منشاء سرمایه بکار رفته در این امور، استقراضی یا شخصی باشد. طبعاً و برعکس در این موارد نیز چون قرض دهنده در مدت قرض مالک سرمایه یا منابع نیست دلیلی هم برای پذیرفتن ریسک و به تبع برای دریافت رقمی روی منابعی که در این مدت متعلق به او نیست، ندارد. بطور خلاصه چون در جامعه اسلامی قرض منشاء انتقال مالکیت است، لذا قرض دهنده در مدت استقراض نه مالک سرمایه است و نه ریسکی متحمل می شود و در نتیجه حقی به



دریافت چیزی اضافه تر از مبلغ اصل قرض ندارد. درحالیکه در جامعه غیر اسلامی ممکن است مالکیت منابع استقراضی با عمل قرض منتقل نشود و در نتیجه در مورد سود یا ریسک در قرض رفتاری متفاوت وجود داشته باشد.

### شیوه رفتاری در معاملات

بر اساس آیه شریفه: "احل... البیع و حرموالربا" در قرآن کریم برخلاف "ربا" که عملی مذموم می باشد، تجارت یعنی بطور کلی خرید، تولید و فروش کالا و خدمات که از مصادیق معاملات می باشد، امری حلال، صحیح، مطلوب و موجه دانسته شده است. بهمین جهت منطق حکم می کند که پس اندازهای جامعه با این شیوه های رفتاری صحیح و مطلوب در فعالیتهای اقتصادی بکار گرفته شده و منافع آن عاید مالک پس انداز گردد. در نتیجه، جریان منابع مالی از بانک به مشتری و برعکس می تواند، بجای اینکه در شکل قرض صورت گیرد در شکل سرمایه (A) برای مباشرت در امر تجارت و تولید برقرار گردد. این مباشرت بنوبه خود می تواند مستقما توسط مالک سرمایه در شکل اصالت یا توسط نماینده وی در شکل وکالت، نمایندگی یا عاملیت باشد. در واقع اشکال اخیر می تواند نقش اصلی و کلیدی را در ساختار بانکداری اسلامی ایفا نماید.

### شیوه رفتاری در تجهیز منابع

همانطوریکه قبلا ذکر شد، بانک برحسب تعریف با استفاده از منابع پس انداز موجود در جامعه فعالیت می کند. بمنظور ادامه بحث در مورد موضوع، ضرورت دارد که بدوا مالکیت مجموع منابعی که می تواند توسط بانکها جذب شود، تعیین و سپس نحوه مصرف همین منابع از لحاظ مالکیت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بدیهی است اصولا مالکیت تأثیری در اصل و

ماهیت انواع منابع تجهیز شده ندارد. لکن، مالکیت از دیدگاه حقوقی بر شکل منابع تجهیز شده تاثیر داشته و آنرا به دو دسته متمایز تقسیم می کند. دسته اول مجموع منابع تجهیز شده در اشکال استقراض و یا سرمایه سهام بانک را تشکیل می دهد. در حالیکه دسته دوم مجموع سایر منابع یا سپرده هایی را که در اشکال مذکور نباشد شامل می شود. در دسته اول بانک یا صاحبان آن، هم مالک منابع سرمایه خود و هم مالک منابع استقراضی می باشند و در عین حال نیز تفاوتی بین مالکیت دو منبع نیست.

بدین ترتیب و با توجه به آنچه تاکنون بیان شد، این نتیجه حاصل می شود که در بانکداری اسلامی تودیع کننده سپرده قرض الحسنه در واقع طلبکار بانک بوده و از دیدگاه حقوقی مالک طلب خود از بانک می باشد و مالک سپرده قرض الحسنه یا منابع تلقی نمی گردد. در حالیکه در دسته دوم، تودیع کننده منابع، مالک این قبیل منابع باقی می ماند و سپرده وی بمنزله سرمایه در کل سرمایه (۹) (بمفهوم وسیع کلمه) بانک اسلامی تلقی می شود.

بانک اسلامی، هنگامی در تجهیز منابع پس انداز از جامعه موفق خواهد بود که هم همواره از نقدینگی کافی برای استرداد بموقع منابع برخوردار بوده و هم ریسک عدم استرداد منابع را به حداقل ممکن تقلیل دهد. کفایت نقدینگی از دو جهت حائز اهمیت است.

از یکطرف، هنگام مراجعه سرمایه گذار برای استرداد سرمایه (منابع) خود بانک اسلامی این منابع را مسترد یا فی الواقع سپرده وی را باز خرید می کند. اقدامات بانک در این مورد پنحوی صورت می گیرد که استرداد منابع سپرده گذار خللی در استمرار عملیات بانکی بوجود نمی آورد. بدین ترتیب، با خروج یک سرمایه گذار موقت از عملیات بانکی یا در حقیقت عملیات تجاری یا تولیدی، سرمایه گذار موقت دیگری جایگزین وی می گردد. این اقدامات

عیناً بمنزله فروش تعدادی از سهام بانک توسط یکی از شرکاء موقت قبلی بانک و خرید آن توسط شریک موقت جدید دیگری می باشد.

تفاوت این شیوه خرید و فروش در مقایسه با خرید و فروش سهام با شیوه متداول که در صورت وجود خریدار و فروشنده و توافق آنها معامله صورت می گیرد، در این است که بانک برای استرداد یا باز خرید منابع سپرده گذار از نقدینگی (۱۰) کافی برخوردار بوده و در صورت فقد شریک موقت یعنی سپرده گذار جدید، بانک اسلامی بلافاصله بصورت خریدار جایگزین فروشنده شده و منابع وی را باز خرید می کند. مطلب اخیر نیز یکی دیگر از ویژگی‌هایی است که بانکداری اسلامی را از بانکداری متداول در کشورهای دیگر متمایز می کند.

از طرف دیگر، استرداد سپرده های قرض الحسنه یا اصولاً پرداخت طلب اشخاصی که این قبیل سپرده ها را به بانک اسلامی قرض داده اند، نیز با توجه به موازین اسلامی، بدلیل ماهیت عقد قرض توسط بانک تضمین بوده و هنگام مطالبه طلبکار، با توجه به وجود کفایت نقدینگی، بلافاصله مسترد می شود.

بطور خلاصه بخشی از مجموعه منابع جذب شده در بانک اسلامی بصورت قرض است که براساس رفتار اسلامی هم بصورت "حسنة" بوده و هم جزء منابع متعلق به بانک در می آید و بانک اسلامی در این منابع مالکانه دخل و تصرف می کند. بخش دیگر منابع بصورت سپرده اصطلاحاً "سرمایه گذاری" یا هر نام دیگری جذب می شود که ماهیت سرمایه (۱۱) را دارد و بانک اسلامی، در این منابع نیز، به عاملیت سپرده گذار، در شکل سرمایه، مالکانه دخل و تصرف می نماید. شیوه جذب منابع بصورت سرمایه که شیوه ای کاملاً نوین است، می تواند

برای جمع آوری بخش اعظم از منابع پس انداز جامعه بکار گرفته شود.

### شیوه رفتاری در مصرف منابع

منظور از مصرف منابع، بکارگیری آنها در فعالیت های مختلف اقتصادی جامعه اعم از تجاری و تولیدی است. بدیهی است، هر امر تجاری و یا تولیدی از تلفیق عوامل کار، منابع مالی و مدیریت بوجود می آید. تامین منابع مالی برای انجام این امور می تواند در شکل استقراض یا در شکل سرمایه شخصی باشد. بانک اسلامی، برحسب تعریف، تمام یا قسمتی از منابع مالی مورد نیاز این فعالیتها را تامین می نماید، طبعاً چنانچه منابع مذکور بصورت استقراض در اختیار صاحب فعالیت قرار گیرد، قرض دهنده که بدلیل قرض، مالک منابع نیست باید از منافع حاصل از فعالیت چشم پوشی کند. در حالیکه، اگر منابع بصورت سرمایه (۱۲) تامین شود، منافع حاصله به صاحب سرمایه تعلق می گیرد. در عین حال، رفتار منطقی و مطلوب و همچنین عدالت و انصاف ایجاب می کند که منابع پس انداز جامعه در امور اقتصادی بنحوی مصرف گردد تا منافع ناشی از فعالیتهای مذکور بجای اینکه عاید افراد یا گروهی خاص بشود، عاید دارندگان منابع گردد. در غیراینصورت همانطوریکه در بخش تجهیز منابع ذکر شد، مصرف کل منابع پس انداز جامعه اولاً بصورت قرض توسط بانک اسلامی امکان پذیر نبوده و ثانیاً اقدام به این عمل نیز منطقی و موجه نیست.

نتیجه حاصل از تمام تحلیل های فوق اینست که بانک اسلامی عمده منابع خود را، تحت هر عنوانی که جذب شده باشد، بصورت "سرمایه" بکار می گیرد. طبعاً این امر نیز بنوبه خود ایجاب می کند که بانک اسلامی بصورت مالک سرمایه، اعم از اینکه سرمایه ملکی صاحبان سپرده یا سرمایه ملکی متعلق به خود بانک اسلامی باشد، در فعالیتهای اقتصادی،

مباشرت یا مشارکت نماید. تنها، با این شیوه رفتاری صحیح بانک می تواند با تحمل ریسک فعالیتها، مالک سود یا زیان آنها گردد که طبعاً این شیوه رفتاری دقیقاً با شیوه رفتاری اسلامی در این خصوص مطابقت دارد.

### جهت گیری در انجام عملیات بانکی

نگاهی عمیق تر به موضوع ثابت می کند که در بانکداری اسلامی هم صاحب سپرده و هم گیرنده تسهیلات اعتباری نقش مباشر را در فعالیتهای اقتصادی دارند. این مطلب کاملاً صحیح است، زیرا، همانطویکه ذکر شد، بانک اسلامی در مورد مصرف منابع رفتاری عیناً مشابه رفتار بازرگان با تولید کننده در عملیات تجاری و تولیدی به قصد انتفاع دارد. تفاوت بین عمل بانک و عمل بازرگان یا تولید کننده در این است که با اتخاذ تمهیداتی بانک اسلامی بنحوی که متعاقباً تشریح خواهد شد، از دخالت در بسیاری از زمینه ها، بصورت اداری، ممنوع می شود تا نه تنها موجب اخلال در نظام تجارت و تولید نشده، بلکه منحصراً بصورت تامین کننده منابع، موجب تسهیلات لازم برای واحدهای اقتصادی و اجتماعی گردد.

با توجه به مراتب فوق، هم صاحبان منابع تجهیز شده یا به اصطلاح "سپرده گذاران" و هم استفاده کنندگان از منابع مذکور یا به اصطلاح گیرندگان تسهیلات اعتباری "ذاتا" شرکا یا مباشرین فعالیتهای تجاری یا تولیدی می باشند که در ظاهر بانک اسلامی (از دیدگاه وسیع تر، صاحبان بانک) یا گیرنده تسهیلات انجام می دهد. در بانک اسلامی این شیوه رفتاری یا بطور کلی عملیات بانکی تحت شرایط، قصد، زمان، مکان و با نظم و ترتیب و توالی معینی که با موازین اسلامی مطابقت دارد انجام می شود (۱۳).

در واقع، در بانک اسلامی، صاحبان منابع "یا سپرده گذاران" برای مدتی که منابع

آنها نزد بانک است ، بصورت شریک موقت در سرمایه ( منابع ) بانک در می آیند . همانطوریکه ذکر شد ، بانک اسلامی در نقش نماینده منابع آنها را به نمایندگی از طرف آنها در فعالیتهای تجاری و تولیدی بکار می گیرد و سود یا زیان حاصل را پس از کسر حق نمایندگی خود در اختیار آنان قرار می دهد . برای این منظور ، بانک منابع تجهیز شده متعلق به صاحب سپرده را همراه با منابع خود باصطلاح بصورت " تسهیلات اعتباری " در اختیار گیرنده تسهیلات قرار می دهد یا در حقیقت با ایجاد تسهیلات اعتباری در عملیات تولیدی و تجاری گیرنده تسهیلات با او مشارکت نموده و یا عملیات مزبور را تسهیل می کند .

برپایه آنچه ذکر شد بطور خلاصه ، بانک اسلامی با بکارگیری منابع تجهیز شده ، تسهیلات لازم را برای ایجاد ، توسعه ، تکمیل ، راه اندازی و ادامه فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی فراهم می آورد .

با توجه به مجموعه مراتب فوق ، بانکداری اسلامی را می توان به شرح ذیل توصیف

نمود :

" محیط تجمیع منابع پس انداز کننده ، سرمایه گذار و بانک ، بصورت سرمایه ، برای سرمایه گذاری در امور مختلف به قصد انتفاع ، در چارچوب موازین اسلامی ، بنحویکه نتیجه حاصل از این سرمایه گذاریها براساس تفاهم قبلی بین آنها تسهیم گردد . "

این تعریف ، کاملتر از تعریف قبلی است لکن هنوز جامع بنظر نمی رسد (۱۴) .

#### ضرورت انجام عملیات در محدوده نظامات پولی و اعتباری

در قسمت های قبل ، در باره تجهیز منابع مالی و مصرف آن مشروحا بحث شد . لکن ، در مورد " نحوه یا چگونگی " تجهیز و مصرف منابع تحلیلی صورت نگرفت . طبیعت و ذات

عملیات بانکداری اسلامی ایجاب می کند که این عملیات تحت نظم و قاعده معین انجام شود. زیرا، با توجه به آنچه که تشریح شد، بانک اسلامی محیط عملیات تجاری و تولیدی به مفهوم وسیع کلمه است. از اینرو، منافع گروههای ذینفع و درگیر در عملیات بانکی اقتضا می کند که رفتار بانک اسلامی رفتاری تجاری باشد. بدیهی است، چنین بانکی، با برخورداری از امکانات مالی فراوان می تواند در همه زمینه های تولیدی اعم از فیزیکی، خدماتی و تجاری محیطی انحصاری بوجود آورد، طبعاً این اقدام، منافع مصرف کننده یا جامعه را با خطر مواجه خواهد ساخت. بمنظور ممانعت از بروز چنین خطری شرایطی ایجاد می شود تا محیط بانک اسلامی ضمن اینکه ذاتاً بصورت تجاری و تولیدی عمل می کند، ظاهراً نقش تجاری و تولیدی را از خود سلب نماید (۱۵).

هم منافع صاحبان منابع و هم منافع جامعه ایجاب می کند که بانکداری اسلامی از تجمیع این دو ویژگی بوجود آید. زیرا، از یک طرف بانک اسلامی محیطی تجاری و تولیدی به قصد انتفاع است و از طرف دیگر به دلایلی که متعاقباً توضیح داده خواهد شد، نظیر بانک سنتی محیطی بانکی است که بصورت واسطه وجود به خلق پول، به مفهوم وسیع آن مبادرت می کند. در نتیجه محیط بانک اسلامی از برآیند این دو شیوه رفتاری بوجود می آید (۱۶).

تحلیل بیشتر در باره موضوع نشان می دهد که بانک اسلامی نیز، نظیر بانک سنتی هم در میزان حجم پول و اعتبار که مآلاً منافع جامعه به آن مربوط است، موثر واقع می شود و هم منافع کلیه طرفهای تامین کننده منابع بستگی به نحوه عمل آن دارد. تاثیر عملیات بانک بر حجم پول و اعتبار بدلیل دسترسی به حجم منابع وافر پس انداز جامعه از یک طرف و قدرت پول آفرینی بانک اسلامی از طرف دیگر دارد. زیرا، انجام عملیات بانکی بطورکلی و بویژه

استرداد فوری و عندالمطالبه منابع جمع آوری شده توسط بانک اسلامی توأم با قدرت اعتباردهی آن بنحوی است که ذاتا به خلق پول منجر می شود. به عبارت دیگر، در عین حال که بانک اسلامی بدلائل قانونی و شرعی همواره در هر لحظه ملزم به استرداد منابع اولیه تجهیز شده می شود، با استفاده از همین منابع به اعطای تسهیلات اعتباری و خلق منابع ثانویه مبادرت می نماید (۱۷). در واقع با این عملیات، بانک اسلامی همزمان با وجود ادعای بالقوه روی منابع اولیه تجهیز شده، ادعای بالقوه دیگری روی منابع ایجاد شده جدید بوجود می آورد که عملا میزان نقدینگی را افزایش می دهد. طبیعی است چنانچه این امر با نظم و قاعده، جهت گیری مشخص و داشتن هدف معین صورت نپذیرد، می تواند حصول به اهداف و تعادل‌های اساسی اقتصادی را مختل کند. علاوه بر مراتب مذکور، منافع متفاوت و مشترک گروه‌های درگیر در عملیات بانکی اعم از سپرده گذار، گیرنده تسهیلات تجاری و مالکین بانک مستلزم نظم و ضابطه دادن به این عملیات است.

بطور خلاصه، مجموعه عوامل فوق و عوامل محیطی متعدد دیگر که در بانک اسلامی وجود دارد ایجاب می کند که عملیات بانک مزبور بر مبنای اصول معینی پایه گذاری شده و تحت ضوابط مشخصی انجام شود. کلیه تمهیداتی که بکار می رود تا رفتار بانک اسلامی تحت نظم و شیوه معینی صورت گرفته و از آن طریق حجم نقدینگی جامعه تحت کنترل درآید سیاست پولی نامیده می شود. این تمهیدات عموما در خارج از محیط بانک اسلامی و در محیطی دیگر با نام دستگاه سیاست گذار پولی یا بانک مرکزی طراحی و تدوین شده و در محیط بانک اسلامی اجرا می گردد.



تعریف بانکداری اسلامی

با پایان گرفتن بحث در زمینه عملیات بانک اسلامی و اثبات ضرورت ایجاد نظامات پولی و اعتباری، می توان تعریف تکامل یافته بانکداری اسلامی را در عبارت ذیل خلاصه نمود:

"بانکداری اسلامی عبارت است از: محیط تجمیع منابع پس اندازکننده، سرمایه گذار و بانک، بصورت سرمایه برای سرمایه گذاری در امور مختلف به قصد انتفاع، در چارچوب موازین اسلامی و نظامات پولی و اعتباری به نحوی که نتیجه حاصل از این سرمایه گذاریها، براساس تفاهم قبلی، بین اشخاص مذکور تسهیم گردد."

تمام مطالبی که قبلا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت در تعریف فوق مستتر است.

نتیجه گیری و ویژگیهای برجسته بانکداری اسلامی

نگاهی گذرا به نحوه تامین منابع مالی فعالیتهای اقتصادی که بانک اسلامی در آنها سرمایه گذاری می کند، نشان می دهد که سرمایه گذار، بانک و سپرده گذار هر یک در حد منابعی که در این سرمایه گذاریها به کار گرفته اند نیاز مالی فعالیتهای مزبور را تامین می کنند. در نتیجه براساس این شیوه رفتاری ثمره حاصل از بخش اعظم فعالیتهای اقتصادی موجود در جامعه اعم از سود یا زیان بین سه شخصیت موضوع تعریف و متناسب با سرمایه آنها و یا هر مبنای دیگر که منطقا توسط آنها پذیرفته شود، تسهیم می گردد. در مجموع این سه دسته که پس اندازکننده و توزیع کننده و صاحب سرمایه (۱۸) بانک را تشکیل می دهند، تعداد زیاد و قابل ملاحظه ای از افراد جامعه را شامل می شود. در تحلیل نهایی این نتیجه بدست می آید که بانکداری اسلامی وسیله ای مطلوب جهت تعدیل و توزیع مناسب بخش اعظم درآمد ناشی از

فعالیت‌های اقتصادی بین افراد جامعه می‌باشد. این ویژگی از عمده‌ترین خصوصیات پارز بانکداری اسلامی است که آن را از بانکداری سنتی متمایز می‌کند.

با تعمق بیشتر در مورد موضوع، می‌توان با بیان دیگر اظهار داشت که در بانکداری اسلامی برعکس بانکداری سنتی بدلیل ارتباط منطقی که بین سه گروه سپرده‌گذار، بانک و سرمایه‌گذار وجود دارد، این سه گروه در عمده فعالیت‌های اقتصادی جامعه بنحو کاملاً وابسته شریک و سهیم می‌باشند. همانطوری که ذکر شد، در واقع فعالیت مشترک مجموعه این سه گروه در فعالیت‌های اقتصادی رفتاری مشترک، وابسته و مالکانه است، لذا ماحصل فعالیت آنها پس از تحقق به هر میزان که باشد بین آنها تسهیم می‌گردد. طبعاً این نحوه عمل نمی‌تواند با موازین اسلامی تعارض داشته باشد. بدین ترتیب سپرده‌گذار مانند مالک بانک از یک طرف و سرمایه‌گذار مانند مالک بانک از طرف دیگر در ماحصل فعالیت‌های بانک به مفهوم کاملاً واقعی و منطقی و به نحو وابسته و غیرقابل تفکیک از یکدیگر شریک و سهیم می‌گردند. چنین وابستگی در فعالیتها، چنان اتحاد، پیوستگی و همبستگی شکست‌ناپذیری را بوجود می‌آورد که در تاریخ بانکداری در جهان بی سابقه و بی نظیر است.

آنچه در این زمینه قابل ذکر می‌باشد، این است که صاحبان چنین بانکی تحت هیچ شرایطی و در هیچ یک از فعالیت‌های خود را به تنهایی تحمل نمی‌کند. بلکه ریسک عمده فعالیت‌های اقتصادی و کارکنان جامعه بین مجموعه سه گروه تقسیم می‌گردد. طبعاً سهم افراد مجموعه مذکور از کل ریسک مزبور، بعلیانه‌ای و نزدیک به صفر خواهد بود. تحت شرایط چنین محیطی، مأمولان و مشتریان بانکداری قابل تحقق است. مضافاً در چنین شرایطی بانک اسلامی هیچگاه با ریسک توقف و یا ورشکستگی به مفهوم آنچه در بانکداری سنتی متداول است روبرو نخواهد

شد. زیرا بخش اعظم منابع مالی تجهیز شده در بانک، در شکل سرمایه ریسک عملیات را متحمل خواهد شد و چنانچه خطری حادث شود مجموعه منابعی که بصورت سرمایه است کاهش می یابد و خللی در تداوم فعالیت بانک بوجود نمی آورد.

برعکس در بانکداری سنتی که اساس عملیات آن روی قرض پایه گذاری شده است، ریسک عملیات بنحو مطلوب توزیع نمی شود. در واقع هم صاحبان منابع تجهیز شده و هم مصرف کنندگان این منابع بر مبنای روابط حقوقی ایجاد شده بین بانک و مشتری، دائن و مدیون بانک می باشد. برای مبنای سپرده گذار بصورت جداگانه و مستقل و فارغ از هر نوع اتفاق مطلوب یا نامطلوب اقتصادی، بانک را مدیون خود تلقی نموده و تحت هر شرایطی بانک را ملزم به تادیه طلب خود می داند. در عین حال بانک بصورت جداگانه و مستقل و فارغ از هر اتفاق مطلوب و یا نامطلوب اقتصادی گیرنده تسهیلات اعتباری را مدیون خود تصور کرده و تحت هر شرایطی وی را موظف به تادیه طلب خود می داند. بدین ترتیب، در این سیستم بانکداری دو ارتباط حقوقی کاملا ناپیوسته و مستقل بین بانک و سپرده گذار از یک طرف و بین بانک و گیرنده تسهیلات اعتباری از طرف دیگر ایجاد می شود که اولاً غیر منطقی و نامشروع بوده و ثانیاً بدلیل ناپیوسته بودن روابط حقوقی مذکور، هر گونه رخ داد نامطلوب یا خطر برای گروه دوم مستقیماً موجودیت بانک را متزلزل و مآلاً منافع گروه سوم یا سپرده گذار را با خطر مواجه می کند. زیرا همانطوریکه ذکر شد، در این محیط دو گروه سپرده گذار و سرمایه گذار بصورت کاملاً مستقل و انتزاعی در فکر منافع خود هستند و بانک به تنهایی یا در واقع صاحبان سرمایه بانک، باید تحمل کل ریسک حاصل از فعالیتهای اقتصادی آن را بکنند. طبعاً در چنین محیطی نامطلوبترین شکل بانکداری قابل تحقق است و این گونه بانکها

هر لحظه با ریسک توقف و با ورشکستگی، به مفهوم آنچه در مورد هر فعالیت اقتصادی دیگر متداول است، روبرو خواهند شد. در حالیکه، در بانکداری اسلامی به دلایل پیش گفته، اتفاق چنین وضعیتی نزدیک به محال و شاید هم غیر ممکن است.

### پیوست:

#### تعریف ربا

"ربا" چیست و چگونه می توان در عملیات بانکی از آن احتراز کرد؟

بطور کلی تعریف ساده "ربا" عبارت است از: "گرفتن مبلغ اضافه روی دین محقق مشروط بر اینکه از قبل شرط شده باشد (۱۹)".

با استفاده از همین تعریف ساده، عملیات بانکداری اسلامی در ایران طوری پایه گذاری شده است که تحت چنین عنوانی هیچ مبلغ اضافه ای از گیرنده تسهیلات اعتباری اخذ نگردد. برای بررسی بیشتر باید شرایط حاصل از این تعریف تشریح گردد. شرایط زیر از تعریف مذکور قابل استخراج است:

الف - وجود دین محقق

ب - وجود دائن و مدیون مستقل و جدا از یکدیگر

ج - شرط قبلی برای دریافت مبلغ اضافه نسبت به قرض

هرگونه دین که از اجتماع شرایط مذکور به وجود آید، از دیدگاه بانکداری اسلامی در ایران شرایط لازم و کافی برای تحقق "ربای پولی" را دارد، لکن در صورتیکه یکی از شرایط مذکور در عمل استقراض وجود نداشته باشد "به ظاهر" ممکن است عمل استقراض شکل "ربوی" داشته باشد، لکن عملاً "ربا" تحقق نمی یابد. عبارت دیگر، از دیدگاه ضوابط و مقررات

بانکداری اسلامی "ربا" تحقق پیدا نمی کند مگر با اجتماع سه شرط فوق در امر استقراض. موضوع فوق، مخصوصاً در این مبحث مطرح گردید تا از دیدگاه مشابهت آن با استقراض در بانکداری سنتی دیده شود. در واقع شرایط مذکور، عناصر عمده استقراض در شیوه بانکداری سنتی را تشکیل می دهد (۲۰).

بدین ترتیب، آنچه که در بانکداری سنتی روی استقراض یا وام دریافت می شود و یا روی سپرده ها که در واقع استقراض بانک از اشخاص است، پرداخت می شود از دیدگاه بانکداری اسلامی "ربا" محسوب شده و دریافت یا پرداخت آن مجاز نمی باشد. زیرا، در بسیاری از موارد تمام شرایط مذکور در امر استقراض و یا سپرده گیری جمع است.

در عین حال، نبود یکی از شرایط فوق، موضوع را از شکل ربوی آن خارج می کند و در نتیجه پرداخت مبلغ اضافه توسط گیرنده منابع به تامین کننده آن در بعضی از اشکال خاص و معمول در بانکداری سنتی ممکن است در بانکداری اسلامی کاربرد داشته باشد بدون آنکه مشمول تعریف "ربا" و ممنوعیت پرداخت و یا دریافت آن گردد. به همین جهت، برای شناخت بانکداری اسلامی در ایران تحلیل عناصر مزبور و نتیجه گیری از این مبحث از اهمیت خاص برخوردار است.

#### الف - وجود دین محقق

دین محقق در اثر استقراض یا انتقال مالکیت "پول" (۲۱) از دائن به مدیون یا طرق دیگری که مدیون در مقابل دائن بدهکار می شود تحقق می یابد. در اینصورت، هم مدیون و هم دائن شرعاً مجاز به دریافت و پرداخت رقم اضافه و از پیش تعیین شده ای روی دین نیستند. لکن، چنانچه به دلایل مختلف

منجمله دلایل مذکور در بند (ب) دین واقعی تحقق نیابد، در اینصورت پرداخت رقم اضافه از دیدگاه بانکداری اسلامی در ایران مشمول تعریف "ربا" نمی‌شود.

#### ب - وجود دائن و مدیون مستقل و جدا از یکدیگر

مستقل و جدا بودن دائن و مدیون از یکدیگر از جمله شرایط بسیار اساسی در استقراض است که فقدان آن موجب از بین رفتن ماهیت استقراض و در نتیجه عدم تحقق "ربا" می‌گردد (۲۲). بعنوان مثال، اعطای وام توسط یک شعبه موسسه بازرگانی متعلق به یک شخص، به شعبه دیگر آن، ظاهراً موجود قرارداد وام بین دو شعبه مزبور است، ولی ذاتاً چنین قراردادی از دیدگاه شرعی، قرارداد تلقی نگردیده و ربوی محسوب نمی‌شود. زیرا، عناصر دائن و مدیون، در حقیقت در یک شخص جمع می‌شود. در نتیجه، شخص نمی‌تواند از خود طلبکار یا به خود بدهکار شود. به همین ترتیب اعطای تسهیلات اعتباری بین دو شرکت متعلق به یک گروه مشخص از سهامدارانی که سهام هریک از آنها در دو شرکت مساوی باشد، هرچند از دیدگاه اداری بظاهر موجود قرار داد استقراض است، لکن از دیدگاه شرعی دائن و مدیون جدا از یکدیگر نیستند. مثال بارز آن استقراض یک شعبه یک بانک یا یک شرکت از شعبه دیگر آن است که فقط از لحاظ اداری صورت استقراض به خود می‌گیرد، ولی از دیدگاه حقوقی رابطه تعهد و طلب ایجاد نمی‌کند. در تمام این موارد فقط نقل و انتقال وجوه در درون دو موسسه متعلق به یک شخصیت صورت

می‌گیرد و اقدام دیگری انجام نمی‌شود. ویژگی فوق، در بانکداری اسلامی در ایران کاربرد زیاد دارد.

### ج - شرط قبلی برای دریافت مبلغ اضافه نسبت به قرض

شرط کردن در قرض برای دریافت بهره با رقم اضافه نسبت به قرض نیز به نوبه خود از شرایط اصلی تشکیل دهنده "ربا" است. بنابراین، چنانچه شرطی برای دریافت رقم اضافه در قرض نشده باشد، پرداختی نیز قاعدتا صورت نخواهد گرفت و عمل نیز، طبعاً ربوی نخواهد بود. مع الوصف، چنانچه مدیون شخصاً و با رضایت خود و خارج از عقد قرض رقمی را بصورت اضافه بر مبلغ اصل وام به دائن بپردازد، ضمن اینکه این پرداخت از دیدگاه شرعی نیز تشویق شده است، مبلغ اضافه نیز "ربا" تلقی نمی‌گردد.

این موضوع هرچند بجای خود صحیح است ولی کاربرد آن بسیار مشکل بوده و در سیستم بانکداری اسلامی در ایران از این روش استفاده نمی‌شود.

در مورد شرط فوق لازم به ذکر است که اگر هنگام عقد قرض دریافت مبلغی اضافی شرط شده باشد ولی عملاً این مبلغ دریافت نگردد، عمل پرداخت "ربا" تحقق نمی‌یابد. این حالت مانند آن است که عملاً شرطی نشده و دریافتی نیز صورت نگیرد.

نتایج منطقی حاصل از بحث فوق:

الف - "ربا" به نحوی که تشریح و تحلیل گردیده، از کلیه عملیات بانکی در سیستم بانکداری اسلامی در ایران، حذف شده است.

ب - وابستگی کامل دائن و مدیون در بانکداری اسلامی در ایران ، برای دولت و دستگاههای صد در صد دولتی کاربرد مطلوب داشته است ، زیرا ، از دیدگاه شرعی ، دولت در کل کشور " شخصیت واحد " تلقی می گردد . لذا ، دستگاههای دولتی و شرکتهای صد در صد دولتی تماما جزء این شخصیت واحد محسوب شده و هرگونه قرارداد استقراض بین این دستگاهها فقط از لحاظ اداری مناط اعتبار است و موجد استقراض واقعی نیست . بعلاوه ، چون از لحاظ شرعی هم دائن و هم مدیون قرارداد دولت بوده و در نتیجه دریافت یا پرداخت مبلغ اضافه در این شکل از قرارداد ، بصورت نقل و انتقال وجوه که در دو دستگاه به حساب آن شخصیت واحد صورت می گیرد " ربا " تلقی نمی گردد .

بعبارت دیگر ، چون تمام بانکها و بخصوص بانک مرکزی دولتی هستند ، لذا چنانچه از محل منابع بانک نظیر سرمایه و یا از محل منابع قرض الحسنه جاری و پس انداز (۲۳) که مالکیت آن متعلق به خود بانک است ، نیازهای اعتباری دولت و دستگاههای دولتی تامین گردد ، عمل ربوی تلقی نشده و پرداخت یا دریافت رقم اضافه روی مبلغ " بظاهر " استقراض ، فقط موجد ارتباط اداری و نقل و انتقال وجوه بین بانکها و دولت شده و از دیدگاه بانکداری اسلامی در ایران مجاز خواهد بود .

ج - حذف شرط ( ج ) فوق از استقراض متداول در بانکداری سنتی ، استقراض را بدون اینکه در ماهیت واقعی بودن دین ناشی از آن ( که رابطه صحیح دائن و



مدیون مستقل از یکدیگر است) خللی وارد آورد، آنرا بصورت "قرض الحسنه" در می آورد. قرض الحسنه بصورت یکی از انواع تسهیلات اعتباری در بانکداری اسلامی به همین دلیل اصلی پذیرفته شده و برای مصارف معین که سایر انواع تسهیلات اعتباری متداول در بانکداری اسلامی کاربرد ندارد، مورد استفاده قرار می گیرد.

د - چون استقراض در شکل تعریف شده و بطریق معمول در بانکداری سنتی ربوی است و مبلغ اضافه روی آن "ربا" تلقی می گردد، لذا تسهیلات اعتباری بانکی در ایران (باستثنای قرض الحسنه) در شکل دیگری مطرح شده است تا عملیات مزبور از شکل ربوی خارج گردیده و بانک بتواند از عملیات خود سود تحصیل نماید.

#### پی نویسی ها:

- (۱) - این شیوه های تامین مالی بصورت نمونه عبارتند از: قرض الحسنه، مضاربه، اجاره، نسیه و یا فروش اقساطی.
- (۲) - بانکداری اسلامی در ایران با تصویب قانون، از ابتدای سال ۱۳۶۳ بصورت یک مرحله ای و بطور کامل در کل نظام بانکی کشور به مورد اجرا گذارده شد. این امر در تاریخ بانکداری جهان بی سابقه است. بموجب این قانون، بانکداری اسلامی در ایران همانند بانکداری سنتی در سایر نقاط جهان بر مبنای تجهیز پس اندازها و اعطای تسهیلات اعتباری پایه گذاری شده است و امکان هر گونه سیاستگذاری پولی در آن وجود دارد. بعبارت دیگر در نظام بانکداری اسلامی مورد عمل در ایران بانکها در

نهایت بعنوان واسطه بین عرضه کنندگان و متقاضیان وجوه عمل می نمایند و از این جهت تفاوتی با بانکداری سنتی ندارند. لکن، ویژگی اصلی این نظام این است که کلیه عملیات بانکی در آن با موازین شرع مقدس اسلام مغایرت ندارد و از همین رو شیوه عمل در این نظام بکلی متفاوت از بانکداری متداول در کشورهای دیگر است.

(۳) - شیوه های رفتاری برای بسیاری از امور در اسلام وجود دارد که آنرا متمایز از شیوه های رفتاری در همین امور در مذاهب و جوامع دیگر می کند. مراسم ازدواج، شیوه روزه گرفتن، آداب وضو گرفتن، ترتیبات نماز خواندن، انجام مناسک حج، روش انجام بیع، روش انجام صلح، هبه و .... و دهها مطلب دیگر از جمله رفتارهایی است که براساس موازین اسلامی، هریک از این امور باید مطابق یک سلسله مراتب دقیق از کارها انجام شود. عبارت دیگر، این امور باید با رفتاری مشخص و عموماً تحت شرایط، قصد، زمان و مکان معین و با نظم ترتیب و توالی معین صورت پذیرد. تغییر هریک از شرایط، قصد، زمان، مکان و ترتیب و توالی رفتار امر مربوط را از مفهوم اصلی و ذات خود خارج نموده و طبعاً با موازین اسلامی مطابق نخواهد بود. بدیهی است، جامعه اسلامی بدلیل باور خود در مورد این موازین هنگام انجام امور مذکور، دقیقاً براساس همین موازین عمل می نماید.

(۴) - دلیل اصلی پایه گذاری بانکداری اسلامی در ایران که یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی می باشد، حذف این عمل مذموم از فعالیتهای بانکی است. از همین رو عملیات بانکی در ایران برپایه موازین اسلامی بنحوی طراحی و تدوین شده است که این عملیات نه تنها از لحاظ شکلی بلکه از لحاظ ماهوی نیز "ربوی" نباشد.

(۵) - در شرع مقدس اسلام ربای ناشی از معاملات نیز به همان اندازه ربای پولی مذموم و مردود است. بحث در مورد ربای معاملاتی خارج از محدوده این مقاله می باشد.

(۶) - کلمه "حسته" به مفهوم مقبول و پسندیده است که در این مقاله به مفهوم قرض پسندیده در اسلام بکار رفته است. قرض هنگامی پسندیده است که بدون قید و شرط

بوده و هنگام وصول هیچ مبلغ یا چیز زیادی بر اصل قرض که مبتنی بر شرط باشد دریافت نشود. البته قرض گیرنده می تواند، بدون قید و شرط قبلی، چیزی از اموال شخصی خود علاوه بر اصل قرض به قرض دهنده پرداخت نماید. این اقدام از دیدگاه اسلام بسیار پسندیده بوده و مورد تشویق نیز قرار گرفته است.

(۷) - این تعریف در مورد برخی از موسسات اعتباری غیربانکی اسلامی مصداق دارد.  
 (۸) - در این مقاله به منابع مالی ملکی شخص سرمایه گذار اعم از این که این منابع توسط خود شخص یا نماینده وی در امور مختلف بکار گرفته شده باشد، "سرمایه" اطلاق می شود.

(۹) - رجوع شود به پی نویس (۸).

(۱۰) - البته موضوع کفایت تقدینگی، در بانکداری اسلامی در ایران، بدلیل شکل قانونی موجود جهت تضمین و تعهد برای استرداد سپرده ها، ذاتا وجود دارد. اگر این شکل قانونی هم وجود نداشته باشد، موقیبت بانک اسلامی اقتضا می کند که تقدینگی لازم توسط بانک اسلامی بمیزان مطلوب و رضایت بخش برای مجموعه عملیات بانک فراهم گردد.

(۱۱) - رجوع شود به پی نویس (۸).

(۱۲) - رجوع شود به پی نویس (۸).

(۱۳) - رجوع شود به پی نویس (۲).

(۱۴) - برخی دیگر موسسات اعتباری غیربانکی اسلامی در محدوده این تعریف قرار می گیرند.

(۱۵) - این ویژگی، بانک اسلامی را ناگزیر می سازد تا ضمن حفظ هدف تجاری و تولیدی بودن خود بصورت واسطه و جوه درآید.

(۱۶) - علاوه، با ایجاد تعهدات دیگر می توان امتیازات مالیاتی را که گیرنده تسهیلات از طریق اخذ وام به شیوه بانکداری سنتی تحصیل می نماید با اخذ تسهیلات به شیوه

بانکداری اسلامی بدست آورد. بحث و تحلیل این مطلب خارج از موضوع این مقاله است.

(۱۷) - در این استدلال فرض بر این است که بانک اسلامی کمتر از صد در صد سپرده قانونی می‌پردازد.

(۱۸) - در صورت خصوصی بودن بانک، قاعدتا تعداد سهامداران زیادی می‌توانند مالک سرمایه بانک شده و از نتیجه عملیات بانک منتفع گردند. در شکل فعلی بانکداری اسلامی در ایران که دولت مالک سرمایه است، نتیجه فعالیت بانک چه بصورت مستقیم و چه بصورت غیرمستقیم عاید کل جامعه که دولت نماینده آن است، می‌شود.

(۱۹) - نظراتی که در این پیوست ارائه شده است، نتیجه تحقیقات و نظرات شخص نویسنده بوده و نظرات رسمی یا فقهی شخص خاصی را منعکس نمی‌کند.

(۲۰) - البته وثیقه، مدت، تعداد اقساط و سایر شرایط نیز در استقراض وجود دارد که در هر دو روش مشترک بوده و تاثیری در ماهیت استقراض ندارند.

(۲۱) - ممکن است دین بصورت مال یا جنس باشد. بحث در باره این شکل از دین، خارج از چارچوب این مقاله است.

(۲۲) - از دیدگاه اسلامی پرداخت رقم اضافه روی دین ایجاد شده بین پدر و پسر شاید بدلیل وابستگی کامل پسر به پدر، "ربا" محسوب نمی‌گردد، حتی اگر قبلا نیز شرط شده باشد.

(۲۳) - تامین منابع اعتباری دستگاههای دولتی از محل سپرده های سرمایه گذاری که متعلق به سرمایه گذاران بوده و بانک وکیل در مصرف این قبیل منابع است، بصورتی که فوقا مورد تحلیل قرار گرفته مجاز نمی‌باشد ( مگر اینکه این قبیل سپرده مائی نیز از محل منابع دستگاههای دولتی تشکیل شده باشد ) زیرا، در اینصورت، شخصیت دائن مستقل از شخصیت مدیون بوده و رقم اضافه "ربا" خواهد بود.